



The Position of the Rights of Criminal Prisoners in the Scope of Islamic Decent Governance

Ali Khishvand¹, Hojjatollah Ebrahimian*², Mohammad Reza Hakakzadeh³

1. PhD Student of Public Law, Department of Public Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
(Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 77-89

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0007-5247-1540

TELL: +989121535542

Email: Hojjat49@gmail.com

Article history:

Received: 11 Oct 2023

Revised: 14 Dec 2023

Accepted: 19 Jan 2024

Published online: 21 Jun 2024

Keywords:

Rights, Prisoner, Prisoners, Governance, Decent.

ABSTRACT

The rights of criminal prisoners are important issues that have always been the subject of debate. One of the basic challenges of prisoners' rights is the amount and scope of these rights, which needs to be discussed. Based on this, the purpose of this article is the position of the rights of criminal prisoners in the scope of Islamic decent governance. This article is descriptive and analytical and the library method was used to investigate the mentioned topic. The findings indicate that good governance by using principles and indicators such as divine education and training, knowledge and piety and piety of the rulers, realization of installments and justice, fairness in judgment. It acts as a supplement to the principles governing the rights of the imprisoned person and the crystallization of their rights will make them more objective and accessible. The result is that the realization of the rights of criminal prisoners in the scope of decent Islamic governance requires special attention to the private sector and civil society as important elements of decent governance; Because despite the fact that most of the institutions and organizations that implement and monitor the rights of imprisoned people are governmental, the discussion of the rights of imprisoned people has been challenged both from the individual aspect and from the aspect of the world community's view of the human rights situation.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Khishvand, A; Ebrahimian, H & Hakakzadeh, MR (2024). "The Position of the Rights of Criminal Prisoners in the Scope of Islamic Decent Governance". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(2): 77-89.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

جایگاه حقوق زندانیان کیفری در گستره حکمرانی شایسته اسلامی

علی خویشوند^۱، حجت‌الله ابراهیمیان^{۲*}، محمدرضا حکاک‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

حقوق زندانیان کیفری از موضوعات مهمی است که همواره محل بحث و نظر بوده است. یکی از چالش‌های اساسی حقوق زندانیان، میزان و گستره این حقوق است که نیازمند بحث و بررسی است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر جایگاه حقوق زندانیان کیفری در گستره حکمرانی شایسته اسلامی است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای برای بررسی موضوع مورد اشاره استفاده شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که حکمرانی شایسته با بهره‌گیری از اصول و شاخصه‌هایی چون تعلیم و تربیت الهی، علم و تقوا و تقوآمداری حکمرانان، تحقق قسط و عدالت، حق‌مداری در قضاوت، توحیدمحوری و خداترسی و سرانجام نظارت با محوریت پیش‌انگاره عدالت، به‌مثابه مکمل اصول حاکم بر حقوق فرد زندانی عمل نموده، تبلور حقوق ایشان را عینی‌تر و قابل دسترس‌تر خواهد ساخت، نتیجه این‌که تحقق حقوق زندانیان کیفری در گستره حکمرانی شایسته اسلامی نیازمند توجه ویژه به بخش خصوصی و جامعه مدنی به‌عنوان عناصر مهم حکمرانی شایسته است، زیرا باوجود دولتی‌بودن اکثر نهادها و سازمان‌های مجری و ناظر بر حقوق افراد زندانی، بحث حقوق افراد زندانی را چه از جنبه فردی و چه از جنبه نگاه جامعه جهانی به وضعیت حقوق بشر به چالش کشیده، عدم وجود و حضور یک نهاد مستقل غیردولتی به‌خصوص از حیث ضمانت اجرا معضلی اجتناب‌ناپذیر است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۷-۸۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۵۴۰-۵۲۴۷-۵۲۰۰۷-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۲۱۵۳۵۵۴۲

ایمیل: Hojjat49@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق، زندانی، زندانیان، حکمرانی، شایسته.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

با پیشرفت جوامع و گسترش انواع جرایم تحول زیادی نیز در جهت اجرای مجازات ایجاد و با بررسی‌های فراوان که ناشی از پیشرفت علوم و تکنولوژی بوده، نحوه مجازات نیز دستخوش تغییرات زیادی شده، به طوری که در عصر کنونی به نحو دیگری با پدیده جرم و مجرم و نحوه مجازات آن‌ها برخورد می‌شود. مجازات سالب آزادی یا زندان که از مهم‌ترین مجازات‌ها به‌شمار می‌رود نیز از این فرآیند مستثنی نیست. بر همین اساس برای زندانیان حقوقی تعریف شده است که لازم است رعایت شود، اما این که این حقوق چه مواردی را شامل می‌شود از موضوعات و مسائل چالش‌برانگیز است، زیرا ماهیت و گستره حقوق زندانیان با رعایت کرامت آن‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع یکی از راهکارهای اعمال کرامت و شخصیت در مورد زندانیان، تدوین قوانین و مقررات دقیق و کارآمد می‌باشد. پس از اثبات کرامت ذاتی برای همه انسان‌ها، از جمله شخص زندانی، ذکر این نکته حائز اهمیت است که لازمه کرامت انسانی زندانی برخورداری او از یک‌سری حقوق می‌باشد، زیرا هرگونه رفتاری غیر از مجازات از پیش تعیین شده، خلاف کرامت مجرم است و باید با مجرم به گونه‌ای رفتار شود که نوع نگاه و نگرش ما به او منفی نشود و او از حقوق اجتماعی و انسانی خود محروم نگردد. در غیر این صورت میزان مجازات و نوع آن افزایش یافته و متکثر شده و چنین امری خود نوعی اجحاف و ظلم و ستم بر مجرم است. اهمیت و ضرورت این پژوهش، در حفظ آبرو و شخصیت زندانی بانوجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها و کرامت ذاتی انسان، تبیین جایگاه فرد زندانی در اجتماع و تأثیر آن در خانواده است. اصلاح‌نشدن زندانیان و ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی که به استمرار دامنه جرم می‌انجامد و تحمیل هزینه گزاف بر دولت و اموال عمومی و عدم ثمربخش بودن اقدامات کیفری، تبعات منفی و مشکلات اجتماعی زیادی را به وجود می‌آورد، لذا برای جلوگیری از شیوع چنین ناهنجاری‌ها و پیشگیری از گسترش بزهکاری ضروری است که حقوق زندانیان، اهداف و برنامه‌های اصلاحی تربیتی متناسب با شرایط زندانیان در گستره حکمرانی شایسته اسلامی بررسی شود. برای تبیین حقوق بنیادین زندانی در گستره مقوله

حکمرانی شایسته اسلامی ابتدا باید خاطر نشان کنیم که گرچه قانون‌گذاران داخلی و مکاتب و نظام‌های حقوقی بین‌المللی بر این باورند که زندانی به‌عنوان انسان و عضوی از جامعه دارای حقوقی است و این حقوق ریشه در کرامت ذاتی و انسانی وی دارد، به‌گونه‌ای که «هرگونه رفتاری غیر از مجازات تعیین‌شده، خلاف کرامت مجرم است و باید با وی به‌گونه‌ای رفتار شود که نوع نگاه و نگرش ما به او منفی نشود و او را از حقوق اجتماعی و انسانی خود محروم نگرداند، البته گاهی مقتضای مجازات نوعی محروم‌سازی از برخی حقوق اجتماعی است که البته این امر باید مشخص و معین باشد» (فیروزی، ۱۳۸۵: ۱۱۴)، اما در مرتبه و وهله عمل به‌منظور احیا، احقاق و اجرای حقوق زندانیان چنین به‌نظر می‌رسد که مقوله حکمرانی شایسته و شایسته می‌تواند به‌منزله بستری عظیم و ظرفی پرمحتوا و گسترده مثمرتر و کاربردی‌تر در نظر آمده و به‌عمل درآید. درخصوص حقوق زندانیان پژوهش‌های متعددی انجام شده است: پرویز محمدنژاد در مقاله‌ای، حقوق زندانیان (محکومان) در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را مورد بررسی قرار داده است (محمدنژاد، ۱۳۸۳: ۱۱۲). حامد ماسوری در مقاله‌ای به بررسی حقوق زندانیان در قوانین ایران و بین‌الملل پرداخته است (ماسوری، ۱۳۹۲: ۹۸). همچنین مجید ابراهیمی، معصومه جهان‌آبادیان و پرویز اعتباریان، در مقاله‌ای، الزامات نظارتی و بایسته‌های الزام‌آور حقوق زندانیان در مقررات داخلی و بین‌المللی را بررسی کرده‌اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۵). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده، این است که هدف مقاله حاضر بررسی جایگاه حقوق زندانیان کیفری در گستره حکمرانی شایسته اسلامی است. براساس آنچه گفته شد، سؤال مقاله حاضر به این شکل قابل طرح است که حقوق زندانیان کیفری در گستره حکمرانی شایسته اسلامی چه جایگاهی داشته و تا چه اندازه مورد توجه است؟

۱- اصول حاکم بر حقوق افراد زندانی و شاخص‌های حکمرانی شایسته

به‌منظور تبیین اصول اساسی حاکم بر حقوق زندانی و نیز چپستی شاخص‌های حکمرانی شایسته و برقراری ارتباط بین

این سازمان را در ارتباط با کلیه زندانیان و خانواده‌های آنان و حتی کارکنان سازمان مبتنی بر رعایت اصول یازده‌گانه‌ای بدین شرح برمی‌شمارد: «احترام و عزت و کرامت انسانی و رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع، اتکا به تعلیم و تربیت دینی و ارائه الگوی سبک زندگی ایرانی اسلامی و تقویت روحیه خداپرستی، مهرورزی و ایثار تأمین امنیت، عدالت و اعمال منصفانه رویه‌های انضباطی براساس ضوابط و مقررات، ارتقای سطح سلامت جسمی و روانی و توانمندی فردی و اجتماعی، توجه به وضعیت و شرایط سنی، جنسیتی، شخصیتی و نیازهای عمومی و متعارف افراد، برخورداری تمام افراد از حقوق عادلانه بدون تبعیض ناروا و عاری از هرگونه انحصار و فساد و فارغ از نژاد، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، قومیت، مذهب، طبقه اجتماعی، ثروت یا تمکن مالی و قدرت جسمی، احترام به عقاید و حریم خصوصی اشخاص و حفظ محرمانگی اطلاعات به قول شفافیت در امور و پاسخگویی در قبال مسؤولیت‌ها، بنانهادن امور بر پایه احترام و محبت به‌عنوان اولین حلقه زنجیره اصلاح و تربیت و اهتمام ویژه بر حرفه‌آموزی و اشتغال به‌عنوان حلقه ضروری زنجیره مذکور، حمایت از زندانیان نیازمند و خانواده ایشان به‌منظور اصلاح و تربیت، جامعه‌پذیرشدن زندانی و بازگشت به زندگی شرافتمندانه و ارائه الگوهای رفتاری مثبت و سازنده از سوی کارکنان مؤسسه و انجام وظایف مطابق با موازین قانونی و اخلاق اسلامی و به روش حرفه‌ای، متعهدانه و منصفانه.» «واضح و مبرهن است که اصول مزبور نه تنها منطبق با اصول اساسی حاکم بر نظام بین‌المللی حقوق زندانیان به‌نظر می‌رسد، بلکه در پاره‌ای از موارد همچون توجه به معنویت و نیز عنایت به خانواده فرد زندانی در ترازوی فراتر سیر می‌نماید، به‌نحوی که شاید بتوان ادعا نمود این آیین‌نامه حتی در مقایسه با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در سطحی بالاتر از اصول و قواعد خاص رفتار با زندانیان به بیان حقوق دفاعی متهم همچون شرایط و امکانات مناسب جلسه دفاعیه، در اختیارداشتن وکیل معاضدتی و مترجم رایگان می‌پردازد» (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۲۵-۳۶۰)؛ این آیین‌نامه نیز در ترازوی قابل قبول، البته به‌نحو عام و کلی تدوین گردیده است. حال با بررسی و شناسایی اصول اساسی

این ۲ مقوله و استفاده بهینه و به‌جا به‌منظور ارتقای کمی و کیفی حقوق افراد زندانی ابتدا اصول حاکم بر این حقوق را از نظر می‌گذرانیم، سپس با تدقیق در شاخص‌های حکمرانی شایسته غربیان و حکمرانی شایسته مورد نظر اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- اصول حاکم بر حقوق افراد زندانی

صرف نظر از اصول عمومی حاکم بر حقوق زندانیان اعم از بازداشت‌شدگان، متهمین و محکومین، همچون «اصل برائت، اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، اصل مصونیت دولت و اصول مربوط به بازداشت افراد و حقوق بشر» (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۲: ۴۴) و نیز «اصول خاص رفتار با زندانیان یا قواعد و مقررات رفتار با زندانیان سازمان ملل متحد، قواعد بیجینگ (پکن)، توکیو، ریاض و یا کنگره‌های سازمان ملل مبنی بر رفتار انسانی با تمام افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندانی و احترام به شرافت و حیثیت ذاتی انسان، اجرای دستگیری، بازداشت و زندانی‌نمودن فقط و فقط از طریق دستور مقام قضایی و منطبق با مواد قانونی توسط افسران یا افراد مجاز و لایق، عدم اجرا و به رسمیت‌شناختن محدودیت تحصیلی برای افراد تحت هرگونه بازداشت و زندانی، تحت شمول قراردادن این اصول برای همه افراد ساکن در کشورها فارغ از هر نوع تبعیض و پرهیز از در معرض شکنجه، رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قراردادن افراد تحت هرگونه بازداشت و زندانی» (Cherif & Bassiouni, 1993-1994: 69)، «احترام به معتقدات مذهبی و احکام فرهنگی گروهی، شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی با هدف توسعه کامل شخصیت انسان، تلاش برای القای حبس انفرادی، تسهیل شرایط کار معنادار برای زندانیان با هدف ادغام آنان در بازار کار، دسترسی بدون تبعیض به خدمات بهداشتی همانند سایر افراد و مشارکت جامعه برای ادغام زندانیان در جامعه پس از آزادی» (امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۳۴۵)؛ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در ماده ۲ ضمن مد نظر قراردادن اصول پیش‌گفته بین‌المللی در اجرای تعالیم عالیه اسلام و اصول قانون اساسی و قوانین و قوانین موضوعه ج.ا.ا و موازین حقوق بشر اسلامی و حقوق شهروندی برنامه‌ها و اقدامات

سرانجام چشم‌انداز راهبردی از ویژگی‌های حکمرانی شایسته بیان گردیده است (میدری، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۹۳). شاخص‌ها در مفهوم سازوکار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۴۸-۵۶)، در واقع عناصر و مؤلفه‌هایی هستند که از طریق آن‌ها به درک و فهم شفاف‌تر و دقیق‌تر از پدیده‌ها دست می‌یازیم. بر این اساس عناصر روشن‌گر پدیده حکمرانی شایسته از نظرگاه نهادهای بین‌المللی همچون بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) و شورای حقوق بشر سازمان ملل به‌عنوان طراح برنامه توسعه ملل متحد، اتحادیه اروپا و دیگر نهادهای معتبر بین‌المللی از این قرارند:

۱- حاکمیت قانون یا قدرت بلامنزاع فرمانروایی قانون در همه عرصه‌ها، یعنی این‌که تمام امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و تصمیمات مقامات دولتی باید براساس قانون باشد. اصل حاکمیت قانون به‌عنوان یکی از اصول مهم حقوقی که نخستین‌بار توسط آلبرت دایسی به‌صورت علمی ارائه گردیده است، بدان معناست که «سیاست‌گذاران همانند شهروندان در برابر قوانین یکسان تلقی شده، نسبت به عملکردشان پاسخگو باشند. براساس این شاخص اصیل، رعایت اصول عدالت، انصاف و استقلال در دستگاه قضایی و سرعت در اجرای مراحل قضایی تأثیر شایانی بر تثبیت حاکمیت قانون دارد» (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۷).

۲- برابری و تساوی در برابر قانون؛ بدین‌معنا که کلیه افراد اجتماع از حقوق و تکالیف یکسانی برخوردار بود، هیچ احدالناسی مستثنی نگردد.

۳- پاسخگویی به مفهوم قبول مسئولیت و حساب‌پس‌دادن مأموران، کارگزاران و مقامات، سازمان‌ها، بخش‌های دولتی و خصوصی و نهادهای مدنی دولتی نسبت به عملکرد و تصمیمات فردی و سازمانی خود در برابر ذی‌نفعان.

۴- حق اظهار نظر و مشارکت؛ به‌معنای فراهم‌نمودن امکان مشارکت تمام ذی‌نفعان امر حکمرانی که در واقع همه مردم‌اند، در اداره امور کشور، یعنی تقویت جامعه مدنی در

حاکم بر حقوق افراد زندانی اعم از اصول عام و خاص رفتار با این قشر از جامعه انسانی و با هدف ایجاد ارتباط منطقی بین اصول مزبور و مقوله حکمرانی شایسته، شناسایی شاخص‌های حکمرانی شایسته از دیدگاه غرب و حکمرانی شایسته از منظر اسلام ضروری است.

شاخص‌های حکمرانی که در واقع همان اصول اساسی برای اعمال حکمرانی شایسته به‌شمار می‌آیند در هر دو مکاتب غربی و اسلام با اختلاف جزئی یکسان بوده، اساساً به تفاوت محتوایی در جهان‌بینی مادی غرب و جهان‌بینی الهی اسلام بازگشت می‌نماید. به هر روی نخست شاخص‌ها یا اصول حکمرانی شایسته در نگاه غرب و سپس اصول حکمرانی شایسته از منظرگاه اسلام را برمی‌رسیم:

۱-۲- شاخص‌های حکمرانی شایسته

حکمرانی مفهوم تازه‌ای از مدیریت عمومی در همه ابعاد دانشی، بینشی و هنجاری است که در ۱۹۹۱ میلادی به‌وسیله بانک جهانی برپایه عناصر و مؤلفه‌هایی مانند حاکمیت قانون، اجماع‌محوری، مسؤولیت‌پذیری، پاسخگویی، برابری، شفافیت، کارایی و اثربخشی، مشارکت‌جویی و ... پیشنهاد گردیده است، به‌نحوی که قدرت (حکومت) در راستای مدیریت منابع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی و ... و با هدف توسعه همه‌جانبه کشور به‌کار گرفته شود. تأکید بر این عناصر موجب شد تا از آن به حکمرانی شایسته تعبیر گردد (World Bank, 1991: 1). وجه تمایز مفاهیم حکومت و حکمرانی دقیقاً همین‌جا بود، چراکه حکومت نهادی منفصل از حکومت شونده‌گان بود، درحالی‌که حکمرانی مفهومی است که در آن اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی، اداری و ... برای مدیریت امور کشور در همه سطوح، به‌صورت فرآیندی انجام می‌پذیرد، به‌نحوی که مؤسسات دولتی به اداره امور عمومی می‌پردازند، منابع عمومی را مدیریت می‌کنند و از حقوق افراد جامعه حمایت می‌نمایند. ظهور مفهوم حکمرانی شایسته، بیانگر نقش دگرگون‌شده حکومت‌ها در اداره جوامع و تغییر نگرش نسبت به کارکرد حکومت در جهان اکنون است. مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسؤولیت‌پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی، برابری، اثربخشی و کارایی و

قالب آزادی بیان و آزادی تأسیس احزاب و مشارکت مدنی از ویژگی‌های شاخص مشارکت می‌باشد.

۵- ثبات سیاسی و عدم خشونت؛ معنی و مفهوم آن این است که: «به سبب حاکمیت عدالت اجتماعی و برابری، قوام و دوام دولت‌ها و حکومت‌ها پابرجا بود و تثبیت گردیده است، به نحوی که تضادهای فرهنگی و قومی کاهش یافته، در پی آن اعتراض‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی به حداقل می‌رسد و سرانجام برخوردهای اجتماعی همچون اعتراض، اعتصاب، ترور، خشونت‌های سیاسی و آشوب‌های خیابانی کاهش می‌یابد، به علاوه تغییر در ترکیب قدرت سیاسی از طریق اقدامات مسالمت‌آمیز و منطبق بر قانون اساسی و نظام مردم‌سالاری امکان‌پذیر خواهد بود. براساس این اصل هر قدر احتمال نبود ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر قدر کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی شایسته امتیاز بالاتری کسب می‌کند» (نادری قمی، ۱۳۹۰: ۹۳-۶۹).

۶- کارایی و اثربخشی دولت؛ یعنی استفاده معقول و به اندازه از منابع که معطوف به زمان و هزینه باشد، یعنی انجام کارها در کمترین زمان و پایین‌ترین هزینه و البته با بهترین کیفیت (ارسطو و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹). این شاخص که در اندیشه نیل به هدف و نتیجه‌گیری است، درصدد است تا با درست کارکردن و انجام کارهای درست و با استفاده از مهارت‌های فنی به عملکرد خود و بدون آنکه از تغییرات سیاسی و جابه‌جایی قدرت متأثر گردد، به برآوردن نیازهای جامعه مبادرت ورزد.

۷- کیفیت قوانین و نظامات حقوقی؛ یعنی «توانمندی حکومت در تدوین و تصویب و اجرای سیاست‌ها و قوانین و نظامات حقوقی، به گونه‌ای که بالاترین درصد موفقیت، توسعه و اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در پی داشته باشد».

۸- مهار فساد؛ فساد که به مفهوم پاداش نامشروع برای وادار کردن افراد به تخلف از وظیفه و همچنین نادرستی و تقلب و نبود راستی و درستی معنا گردیده است، مهار آن به لحاظ تأثیر مخرب بر حکمرانی شایسته مورد تأکید فراوان

اندیشمندان علوم اداری و حقوق می‌باشد. تعریف‌های موجود از فساد، عمدتاً ناظر به بخش عمومی و دولتی، جنبه‌های مالی و پولی و نهایتاً منافع عمومی هستند که به نظر می‌رسد شاخص اخیر، یعنی آسیب‌رسانی به منافع عمومی از باب ارتباط با حکمرانی شایسته، برجسته‌تر می‌نمایند (زاهدی، ۱۳۷۹: ۲۲۰).

۹- شفافیت و نظارت عمومی: شفافیت به معنای جریان آزاد اطلاعات و دسترسی همه کسانی که در ارتباط با تصمیمات هستند به آن اطلاعات، به نحوی که پس از در دسترس قرار گرفتن و فهم تصمیمات اخذ شده، چگونگی اجرا و نتیجه تصمیمات اتخاذ شده، عملاً نظارت همگانی از آن به بار خواهد نشست.

۱۰- اصلاح نظام قضایی، بدان گونه که به مواردی همچون استقلال دستگاه قضایی بهره‌گیری از نهادهای مدنی، به کارگرفتن شیوه‌های شفاف و ضابطه‌مند، استخدام قضات و کاهش تصرف قانونی - قضایی منتهی گردد. بهبود سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات اداری و مدیریت مالی، اصلاحات سیاسی و ... نیز از جمله شاخص‌های بی‌شمار دیگری هستند که برای دسترسی به حکمرانی شایسته مورد عنایت قرار گرفته‌اند.

۲- شاخص‌های حکمرانی شایسته در اسلام و منابع حقوق افراد زندانی و پارادایم عدالت در حکمرانی شایسته اسلامی
در این قسمت به بررسی شاخص‌های حکمرانی شایسته در اسلام و منابع حقوق افراد زندانی و پارادایم عدالت در حکمرانی شایسته اسلامی پرداخته می‌شود.

۲-۱- شاخص‌های حکمرانی شایسته در اسلام
پیش از ورود به بحث شاخص‌های حکمرانی در اسلام، ذکر سه نکته ضروری است:

نکته اول: اهمیت حکمرانی شایسته و شایستگی حکمرانی را در کلام پرمغز و عجیب امام علی (ع) درمی‌یابیم که فرمودند: «صلاحیت و شایستگی مردم وابسته به شایستگی حکمرانان است» (دستی، ۱۳۸۴: ج ۲۱۶). از این نگاه جامع و همه‌جانبه‌نگر تمایز حکمرانی شایسته مورد نظر اسلام با حکمرانی شایسته مادی‌گرایانه هویدا می‌گردد، چراکه همه مصالح و شایستگی‌های

مردم اعم از مادی و معنوی مد نظر اسلام بوده، بلکه ابعاد معنوی و روحانی انسان خلیفه‌الله برتری خواهد داشت.

نکته دوم: تمامی اصول و شاخص‌های پیش‌گفته حکمرانی شایسته، البته با محتوای الهی و توجه به ارزش‌های معنوی، بلکه تقدم آن‌ها در حکمرانی شایسته مورد نظر اسلام به منصف ظهور خواهد نشست. از این رو «هر سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی بینجامد، ولی به ارزش‌های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه حکمرانی اسلامی مردود است، البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیت شود، باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید، زیرا حذف گرایش‌های معنوی خسارت‌های دنیوی فراوانی برجای می‌گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران‌های جدید مواجه می‌سازد» (سروش محلاتی، ۱۳۸۰: ۴۸-۵۶).

نکته لازم‌الذکر سوم: این است که حاکمیت و حکمرانی شایسته در اسلام برخلاف حقوق معاصر که حاکمیت صرفاً بر پایه چهار عنصر قدرت حقوقی، منشأ سایر قدرت‌های موجود در کشور، مسبوق‌نبودن به هیچ‌گونه هنجار و عدم وجود قدرتی برتر از آن در داخل کشور» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۶۶: ۱۹۷)، بنا نهاده شده است، بنا به فرموده پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) که فرموده‌اند: «امامت و رهبری شایسته نیست مگر برای مردی که دارای سه ویژگی ورع و تقوایی که او را از ارتکاب گناهان بازمی‌دارد، حلم و بردباری که به‌وسیله آن خشم خود را کنترل کند و حکمرانی شایسته بر افراد تحت ولایتش، به‌گونه‌ای که برای آنان همچون پدری مهربان باشد» (کلینی، ۱۳۸۰: ۴۰۷/۱). استفاده آن حضرت از عبارات و تعبیری همچون حسن‌الولایه آن هم قرن‌ها پیش از حکمرانی شایسته مطروحه از سوی غربی‌ها، نشانگر پیشتازی و پیشروبودن شریعت اسلام در زمینه حکمرانی شایسته است، چراکه در صورت عدم تأمین شرایط حکمرانی شایسته توسط حکمران وی [خودبه‌خود] از ولایت امری و رهبری جامعه اسلامی منعزل می‌گردد (ارسطا و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷). حال برخی اصول و شاخصه‌های اختصاصی حکمرانی شایسته اسلام را با استناد به آیات کلام‌الله مجید بررسی می‌کنیم (ارسطا، ۱۳۹۸: ۶۶-۶۰):

۱- تعلیم و تربیت الهی مردم: اصیل‌ترین و مهم‌ترین شاخصه حکمرانی شایسته، تعلیم و تربیت خداگونه شهروندان در تمام ابعاد عقلانی، اخلاقی، عاطفی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... است، زیرا اساساً هدف از حکمرانی شایسته، تعلیم و تزکیه نفوس مردمان است. «لقد من الله و علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من أنفسهم یجعل علیهم آیاتهِ و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (آل عمران/۱۶۴).

۲- علم و تقوا و تقوآمداری حکمرانان: بنا به تعبیر قرآنی، حکمران در گستره حکمرانی شایسته اسلامی بایستی از نظر علم و تقوا سرآمد روزگار خود بود و از این لحاظ نسبت به سایر مردم برجستگی داشته باشد. از این رو است که وجه اشتراک همه پیامبران برگزیده‌شدن به‌سبب برجستگی‌ها، برتری‌ها و یگانگی‌های علمی و کرداری آن‌ها است. «و یاد کن بندگان ما ابراهیم، اسحاق و یعقوب را که همه توانمند و دارای بینش بودند... و بی‌گمان آنان نزد ما از برگزیدگان و بهترین‌ها هستند» (ص/۴۵، ۴۷).

۳- هم‌نژادی و هم‌زبانی حکمرانان با ملت: همسانی در ملیت و دین و زبان و فرهنگ از شاخصه‌های اساسی همه انبیای الهی است که در حکمرانی شایسته اسلامی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. «لقد من الله و علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من أنفسهم» (آل عمران/۱۶۴) و «و ما أرسلنا من رسول الا بلسان قومهِ» (ابراهیم/۴).

۴- تحقق قسط و عدالت و حق‌مداری در قضاوت: به منصف ظهورگذاشتن قسط و عدل، مظهر برجسته‌ترین شاخص اجتماعی و عینی حکمرانی شایسته است، به‌نحوی که براساس آن، همه معیارهای تقنینی، قضایی و اجرایی با دلایل محکم و روشن و منطبق با استاندارد کتاب آسمانی و معیارهای خداوندی محکم و استوار گشته، عدالت و برابری برپا گردیده، حق‌مداری در تمامی شئون قضایی سرلوحه عمل حکمرانان قرار می‌گیرد. «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط» (حدید/۲۵) و «فیعث الله النبین مبشرین و منذرین و أنزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس اختلفوا فیهِ» (بقره/۲۱۳).

اقتصادی و به غایت مادی‌گرایانه است که از راه اعمال قدرت بر مدیریت اقتصادی و منابع اجتماعی یک کشور حاصل می‌گردد. در واقع حکمرانی شایسته مفهوم نوینی است که از دل سیاست و مدل اداره کردن جامعه ایجاد گشته و در سالیان اخیر به موضوعی مهم برای حکومت‌ها بدل گشته است که به سبب پررنگ‌بودن نقش مردم در حکمرانی‌ها و همچنین نقشی است که حکمرانی در تأمین سلامت جامعه ایفا می‌نماید. از این‌روست که کوفی عنان دبیرکل اسبق سازمان ملل، حکمرانی شایسته را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در ریشه‌کن کردن فقر و موتور محرک رشد و توسعه قلمداد می‌نماید (Annan, 2000: 67). از دیدگاه بانک جهانی به‌عنوان مبدع مفهوم حکمرانی شایسته هر دو نهاد دولت و بازار نارسایی‌هایی را به دوش می‌کشند که دستیابی به توسعه همه‌جانبه اقتصادی منوط به رفع نقایص و عیوب این دو نهاد است، لذا بایستی کمیت دولت جای خود را به کیفیت بسپارد، چراکه دولت به‌خودی‌خود نه مانع و نه عامل توسعه است، بلکه دولت توانمند در چهارچوب حکمرانی شایسته، امر توسعه را تسهیل می‌نماید. «البته منظور از توسعه نیز تغییر نمود، دیگر تنها بعد اقتصادی نداشت، بلکه توسعه در صورتی تحقق می‌یافت که اهداف مردم‌سالاری، برابری و حفظ محیط‌زیست با رشد اقتصادی توأمان باشد» (هداوند، ۱۳۸۴: ۸۶-۵۱). برنامه توسعه ملل متحد هدف از حکمرانی شایسته را شنیده‌شدن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد جامعه به‌هنگام اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع اعلام نمود که از مسیر مشارکت‌جویی، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر تحقق می‌یابد، اما اگر بخواهیم اهداف حکمرانی شایسته و خوب را به‌نحو جامع و مانع روشن نماییم، لازم است به هفت ویژگی حکمرانی شایسته که از سوی بخش توسعه بین‌المللی ملل متحد عنوان گردیده است، بنگریم که در واقع همه اهداف مورد نظر حکمرانی شایسته را پیش چشممان می‌گذارد. این اهداف عبارتند از: «دارابودن خط‌مشی مشارکتی، رافع فقر و ثبات اقتصادی، مجری خط‌مشی‌های پشتیبانی از فقرا، تأمین‌کننده خدمات اساسی اثربخش به‌صورت عادلانه، تأمین‌کننده امنیت

۵- توحیدمحوری و خداترسی: بارزترین، بالاترین و والاترین خصیصه حکمرانی شایسته مورد تأیید اسلام، توحیدمداری و حرکت بر محور پروردگار احد و واحد است، بدین‌گونه که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است...» (اصل ۵۶ قانون اساسی ج.۱.ا.) و تنها اوست که در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرد. «و ما أرسلنا من قبلك من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون» (انبیاء/۲۵)، لذا اساساً حرکت حکمرانی شایسته در مدار توحید، موجب بروز و ظهور و تثبیت صفات فضیله‌ای همچون خداترسی و نرمش در برابر رعایا (مردم) و نهراسیدن از غیرخدا از یک‌سو و اخلاص در عمل، حمایت از مظلومان و ستم‌دیدگان و عدالت‌گرایی و ... از سوی دیگر خواهد شد. «الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه ولا یخشون احداً الا الله و کفی بالله حسیباً» (احزاب/۳۹) و «و ما سألکم علیه من اجر ان اجرى الا على رب العالمین» (شعراء/۱۶۴)، علاوه بر این برخی اندیشمندان مواردی همچون قرآن محوری، ولایت‌مداری، مردم‌سالاری، مشارکت‌پذیری، مردم‌داری و مردم‌دوستی، امر به معروف و نهی از منکر، رفع ظلم، تثبیت امنیت، اقامه احکام و احیای حدود الهی را در زمره شاخصه‌های حکمرانی شایسته بر شمرده‌اند (ارسطا، ۱۳۹۸: ۶۸-۶۷). اکنون با ملاحظه اصول اساسی حاکم بر حقوق افراد زندانی در قالب نظام بین‌المللی حقوق بشر و نیز نظام حقوقی ایران و مقایسه و هم‌طرازی این اصول با اصول و شاخص‌های حکمرانی شایسته غربی‌ها و حکمرانی شایسته مورد نظر اسلام، همبستگی و وابستگی این دو دسته اصول در راستای تحقق و احیای حقوق زندانیان که خود از مظاهر روشن و بارز حکمرانی شایسته و عادلانه است، به‌خوبی قابل رؤیت است. به‌عبارت دیگر اصول و شاخص‌های حکمرانی شایسته به‌ویژه حکمرانی شایسته اسلامی به‌لحاظ رویکرد الهی و توجه به حاکمیت باری‌تعالی به‌منزله مکمل اصول حاکم بر حقوق افراد زندانی عمل نموده، تبلور حقوق ایشان را در گستره حکمرانی شایسته عینی‌تر و قابل دسترس‌تر می‌سازد.

۲-۲- اهداف حکمرانی شایسته و زندان

همان‌گونه که در بخش تعاریف به اشارت گذشت، هدف اصلی از ارائه الگوی حکمرانی شایسته دستیابی به توسعه همه‌جانبه

حاکمان، عادل، اخلاق‌مند و دارای مهارت درونی نباشند، نمی‌توان چندان به احقاق حقوق شهروندان امید داشت. در واقع احقاق حقوق شهروندان در هسته مرکزی عدالت وجود دارد و مردم سرزمینی که با اجرای عدالت به حقوق اجتماعی خویش دست می‌یابند، در پرتو حکمرانی اخلاقی و شایسته از بهره‌هایی چون پیشرفت مطلوب، امنیت و آزادی برخوردار خواهند بود و به جامعه‌ای سالم و معتدل دست خواهند یافت (باقری، ۱۳۹۵: ۱۷۱-۱۵۰). حال با مشاهده و بررسی اهداف زندان و حکمرانی شایسته که ذکر آن گذشت، برخی نکات حائز اهمیت در امر حکمرانی شایسته را می‌توان دریافت که می‌تواند به‌عنوان عناصر و مؤلفه‌ها و یا بهتر بگوییم به‌منزله موتور محرکه‌ای مد نظر گرفت که قادر است ما را هرچه بیشتر به اهداف مد نظر زندان و احقاق حقوق افراد زندانی نزدیک گرداند. ملاحظه و دقت نظر در اهداف عام و اختصاصی حکمرانی شایسته، یعنی همانا انطباق کلیه اقدامات و برنامه‌ها با جهان‌بینی «الهی» و «عدالت» از یک‌سو و ملاحظه اصول قانون اساسی، قوانین عادی و مخصوصاً آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها از سوی دیگر، چنین به‌نظر می‌رسد که اصول دوم، سوم و پنجاه‌وششم قانون اساسی، ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها به سازمان زندان‌ها و بندهای یازده‌گانه ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، قابلیت هم‌نوایی کامل با کارکردهای عام و خاص حکمرانی شایسته را دارند، بدین‌نحو که اولاً در راستای انطباق با کارکرد عام حکمرانی شایسته، یعنی سرلوحه قراردادن جهان‌بینی غایت‌گرایانه اسلامی، قوانین و مقررات مورد اشاره، از هرگونه ملاحظه‌کاری و نسبی‌گرایی پرهیز گردیده؛ ثانیاً در اجرای قوانین و مقررات پیش‌گفته کارکرد اختصاصی و ویژه حکمرانی شایسته اسلامی، یعنی عدالت ناب علوی به‌نحو دقیق و همه‌جانبه مورد لحاظ واقع شده، از هرگونه مصلحت‌گرایی بی‌دلیل و تقلید کورکورانه از نظام حقوقی و سیاسی غرب پرهیز گردد.

۳- منابع حقوق افراد زندانی و پارادایم عدالت در حکمرانی شایسته اسلامی

همان‌طوری که در بخش اصول حاکم بر حکمرانی شایسته اسلامی به آن اشاره شد، حق‌مداری و تحقق قسط و عدالت

و سلامت فردی، مدیریت پاسخگویی راهکارهای امنیت ملی و توسعه‌دهنده دولت پاسخگو و امین» و اما اهداف حکمرانی شایسته در اسلام، با عنایت به نگاه متفاوت اسلام به هستی، انسان، معرفت و روش، طبعاً متفاوت است، بدین‌گونه که اگر چه دنیا و زندگی و مادیات از اهمیت زیادی برخوردار بوده و بنا به فرموده پیامبر عظیم‌الشأن اسلام «دنیا مزرعه آخرت است»، اما هدف تنها در زندگی در این دنیا خلاصه نشد، بلکه زندگی دنیوی صرفاً بستری است که انسان خردمند با بهره‌گیری صحیح از آن می‌تواند سعادت اخروی را برای خود مهیا سازد. بنابراین در بعد کلان و عام وجه تمایز اهداف حکمرانی شایسته اسلامی با اهداف حکمرانی شایسته از منظر مادی‌گرایانه غربی، «ابتنای آن بر جهان‌بینی الهی، یعنی مبدأ و معاد است، بنابراین حکمرانان بایستی در اعمال قدرت این تفکر را به منصف ظهور درآورند، بدان‌گونه که دستورات را از مبدأ هستی آفرین اخذ نموده، هم در جهت رفاه مادی و دنیوی و هم در جهت نیل به سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند.» به‌طور کلی در باب ضرورت تشکیل اصل حکومت فارغ از خوب یا شایسته‌بودن حکمرانی در باب ضرورت تشکیل اصل حکومت، اندیشمندانی همچون شیخ مفید، اجرای حدود الهی به‌وسیله حاکم اسلامی را ضرورتی اساسی برای تشکیل حکومت اسلامی قلمداد نموده‌اند (یاوری سرتختی و لیالی، ۱۳۹۴: ۶۸-۵۱). اوج توجه به مبانی دینی و جهان‌بینی الهی و ترجیح و تقدم ارزش‌های معنوی بر مصالح مادی را می‌توان در کلام مولای متقیان امام علی (ع) جستجو کرد. آن حضرت در باب امامت و خلافت می‌فرماید: «اگر پایه‌های دین را استوار نگه دارید هیچ خسارت دنیوی به شما آسیبی نمی‌رساند؛ ولی هر چه را که از دنیا به دست آورید در صورتی که دینتان را از دست داده باشید، برایتان سودی ندارد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: خ ۱۷۳). حضرت همچنین «فرمانداران و عمال حکومت خود را از این‌که برای اصلاح دنیای خود، دین خویش را به نابودی کشانند و آخرتشان را تباہ سازند، زنهار می‌دهند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: خ ۱۰۶). در وجه خاص یکی دیگر از نقاط افتراقی و شاید مهم‌ترین وجه تمایز حکمرانی شایسته اسلامی با حکمرانی شایسته نظام سیاسی و حقوقی غرب مقوله عدالت و عدالت‌خواهی است، چراکه اگر

اساسی (اصول ۳، ۴، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۱۰ (بند ۱۱) و (۱۷۱)، قوانین عادی همچون قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ (مواد ۱۲، ۱۳، ۴۶، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۸ و ۸، ۴۸۶ و ...)، قانون آیین دادرسی کیفری مصوبه ۱۳۹۲ (مواد ۴، ۷ و ...)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۳ (مواد ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۳۰ و ...)، قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۶۴ (ماده ۲)، قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی و دستورالعمل مربوطه مصوب ۱۳۸۳، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰، آیین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی سازمان زندان‌ها مصوبه ۱۳۷۹، آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج مصوب ۱۳۷۸، آیین‌نامه اجرایی امور خودکفایی و حرفه‌آموزی سازمان زندان‌ها مصوبه ۱۳۷۸، آیین‌نامه ستاد حقوق بشر مصوب ۱۳۸۰، بخشنامه‌های رییس قوه قضاییه به‌ویژه بخشنامه حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، اساسنامه انجمن حمایت از زندانیان اساسنامه ستاد دیده، تصویب‌نامه طرح تکریم ارباب رجوع مصوب ۱۳۸۱، منشور حقوق زنان مصوب ۱۳۸۳ و ... از یک‌سو و نگرستن در مبادی و راهکارهای نظارتی در نظام حقوقی ایران که مشتمل‌اند بر: «کمیسیون اصل ۱۳۹۰ قانون اساسی که نقشی همچون بازپرس یا ناظر پارلمانی حقوق بشر و یا آمبودزمان در پارلمان‌های برخی کشورها را برعهده دارد و کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی مبتنی بر اصل ۱۷۶ ق.ا در قوه مقننه؛ بازرسی‌های سازمان بازرسی کل کشور، شکایت به قوه قضاییه مطابق اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ ق.ا، دیوان عدالت اداری، کمیسیون حقوق بشر اسلامی از طریق بازدیدهای منطقه‌ای و احراز صحت و سقم گزارش‌های واصله به این نهاد (آرشیو مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها) و نیز ستاد حقوق بشر قوه قضاییه و سرانجام در چهارچوب قوه مجریه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست‌جمهوری» (خویشوند، ۱۳۹۹: ۹۵-۱۱۸)، ازسوی دیگر، توجه همواره به پارادایم یا الگوواره عدالت، موضوعی حیاتی است، از آن‌رو که

از ارکان اساسی حکمرانی شایسته بود، به‌نحوی که می‌توان ادعا نمود چهارچوب، طرحواره و به‌عبارتی استخوان‌بندی اصلی حکمرانی شایسته، چیزی جز عدالت نیست. از آن‌رو است که آیات و روایات متعددی، حاکمان و زمامداران جامعه را به اجرای قسط و عدل از سوی ایشان امر نموده، قوام و پایداری دولت و ملت، تعالی و رشد جامعه و فاصله‌گرفتن از قلمرو حیوانیت را مرهون عدالت‌گزینی و عدالت‌محوری قلمداد نموده است. آیات ۴۲ و ۵۸ سوره مبارکه نساء در زمره آیاتی است که به روشنی بر مقوله اجرای عدالت اصرار می‌ورزد. مولای متقیان امام علی (ع) در خطبه ۱۳۱ معروف به خطبه منبریه، ابتدا علل پذیرش حکومت از جانب حضرتش را «بازگرداندن نشانه‌های حق و نشانه‌های دین خدا به جایگاه خویش، ظهور و بروز و نمایاندن اصلاح در زمین خدا، به‌طوری که ستم‌دیدگان در امن و امان زندگی کنند و اجرای قوانین و مقررات فراموش‌شده خداوند» بیان فرموده، سپس در ادامه با تشریح شرایط رهبر جامعه اسلامی خصیصه عدالت را در کنار خصوصیات همچون دانایی و فراست، تضييع‌نمودن سنت پیامبر (ص)، عدم بخل و ...، بلکه در رأس ویژگی‌های حکمران جامعه اسلامی می‌نشانند (دشتی، ۱۳۸۴: خ ۱۳۱). حضرت (ع) در فراز دیگری از نهج‌البلاغه و در بیان اهمیت پارادایم و الگوواره عدالت می‌فرمایند: «مردم اصلاح نمی‌شوند، مگر با اصلاح و شایستگی حاکمان و وضع زمامداران و رهبران جامعه صلاح نپذیرد، مگر با استقامت مردم، پس اگر مردم با پایداری و استقامت خویش حق حکومت را ادا کردند و زمامدار با ایجاد عدالت حق مردم را ادا نمود، آنگاه حق در میان مردم عزت پیدا می‌کند و شیوه‌های دین استوار می‌شود و نشانه‌های عدالت بر پا و راه و رسم‌های صحیح در مجاری اصلی خود جریان یابند. در چنین روزگاری مردم اصلاح می‌شوند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: خ ۲۱۶). دیگر کلام زیبا و گوهر افشان امام علی (ع) مبنی بر این که «دل‌های مردم گنجینه‌های حاکمان است، پس آنچه از عدالت یا ظلم در آن‌ها بنهند، همان را بیابند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۶). شاهد دیگری بر این مدعاست که الگوواره عدالت می‌تواند نقش اساسی در حکمرانی شایسته اسلامی به‌طور اعم و نقش کلیدی در اجرا و احقاق حقوق افراد زندانی ایفا نماید. بر این اساس پس از بررسی و تدقیق در منابع حقوق افراد زندانی در نظام حقوقی ایران، یعنی قانون

عدالت در گستره حکمرانی شایسته به منزله روحی است که در کالبد نظام حقوقی دمیده شده، فقدان آن پیکر بی‌جان یا نیمه‌جان حقوق مردم و از جمله زندانیان را بر روی دستان نظام حقوقی کشور باقی خواهد گذاشت.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان دریافت که در اسلام نیز مؤلفه‌هایی برای چگونگی رفتار با زندانیان و تأمین حقوق چنین افرادی پیش‌بینی گردیده که از آن جمله می‌توان به مواردی همچون، تعجیل در محاکمه زندانی، آگاه کردن خانواده زندانی از زندانی شدن، طبقه‌بندی زندانیان، آگاهی از مقررات زندان، تأمین تغذیه و پوشاک مناسب، منع تندخویی و تنبیهات خشن، توجه به مسائل بهداشتی و درمانی زندانی، اشتغال و فعالیت‌های مذهبی و آموزشی آن‌ها، مرخصی زندانیان، ملاقات با بستگان و خانواده، ملاقات خصوصی زندانی با همسر، شکایت از امور زندان و ... اشاره نمود. از نکات مثبت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، تلاش برای رعایت قواعد حداقل لازم‌الرعايه سازمان ملل متحد، حقوق اسلامی، حقوق اساسی زندانی و نیز تأمین هدف اساسی مجازات، یعنی اصلاح زندانی نام برد. اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲ و همچنین نظارت و تدوین مقررات جدید از راهکارهای اعمال کرامت و آبروی زندانیان است. توجه به حقوق مادی و معنوی زندانیان در زندان مانند حق رفاه، پوشاک، ملاقات، حضور در مراسم مذهبی و ... نیز از راهکارهای اعمال کرامت، آبرو و شخصیت زندانیان می‌باشد.

اساساً برای دستیابی به نتایج مطلوب در امر تأمین و تثبیت حقوق افراد زندانی در گستره حکمرانی شایسته، توجه و دقت نظر در چند نکته کلیدی ما را قادر خواهد ساخت تا با تمسک به اصول، شاخص‌ها و اهداف حکمرانی شایسته اسلامی به این مهم دست یازیم:

نکته اول: با عنایت به وجه تمایزات حکمرانی شایسته اسلامی از حکمرانی شایسته مورد نظر سازمان‌های بین‌المللی

و عمدتاً متمایل به مکتب لیبرالیسم غربی، بایستی همواره این تمایز را سرلوحه ذهن و عمل خود قرار دهیم تا در ورطه دوگانگی و خلط مبحث غوطه‌ور نگردیم. به عبارت دیگر حکمرانی شایسته اسلامی را بایستی علی‌رغم وجوه اشتراک با حکمرانی شایسته، در ظرف و بستر اسلامی خود و با همه اصول و قواعد و شاخص‌های مربوط به آن سنجیده، ضمن دوری‌جستن از هم‌پوشانی این دو با هدف خشنودی سازمان‌های بین‌المللی، از اصول و شاخص‌های حکمرانی شایسته اسلام به‌طور عام و در بحث حقوق زندانیان به‌نحو خاص عدول ننماییم، زیرا همان‌طور که گفته شد «حکمرانی شایسته از نگاه غرب، شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقای تساوی افراد در برابر قانون است.

نکته دوم: توجه وافی و کافی به وجه پارادایم یا الگوواره‌ای عدالت در حکمرانی شایسته اسلامی است، بدین‌صورت که علی‌رغم حضور شاخصه‌های وزینی همچون توحیدمحوری، ولایت‌پذیری، مردم‌سالاری حق‌مدار، نظارت‌پذیری، مشارکت، پویایی، انعطاف در عین ثبات و شایسته‌سالاری و ...، مفهوم عدالت به‌منزله روح ساری و جاری در کالبد همه آن‌ها عمل می‌نماید، به‌طوری‌که اگر عدالت نباشد، جملگی شاخصه‌های قابل‌اعتنایی تلقی نخواهند بود.

نکته سوم: شناخت عدالت به‌منزله پیش‌فرض اخلاق و حکمرانی به‌عنوان ضامن اجرای اخلاق و تشکیل و تأسیس حکومت دینی نیز به‌منظور احیای همین فلسفه بعثت انبیا صورت گرفته است، توجه ویژه به اخلاق‌مداری در سطوح سه‌گانه کسب اخلاق قدرت و شکل‌دهی اخلاقی آن، وضع حقوق و تکالیف اخلاقی در مواضع اصلی و مدیریت اخلاقی عرصه‌های سیاسی اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اجتماعی و ... در حکمرانی شایسته اسلامی مورد تأکید است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۸۹). مجموعه مقالات. تهران: سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی و چشم‌انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴.

- دشتی، محمد (۱۳۸۴). *نهج‌البلاغه*. چاپ سوم، قم: انتشارات اسوه.

- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۹). *مدیریت فراملیتی و جهانی (نگرش تطبیقی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۰). «اهداف و آرمان‌های حکومت». *فصلنامه علمی قیاسات*، ۶(۲۱-۲۰): ۴۸-۵۶.

- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج‌البلاغه*. تصحیح صالح صبحی، چاپ ششم، قم: نشر هجرت.

- شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). «حکمرانی شایسته و نقش دولت». *نشریه فرهنگ مدیریت*، ۱(۴): ۴۸-۵۶.

- فیروزی، مهدی (۱۳۸۵). *کرامت انسانی زندانیان - راهبردها و راهکارها*. چاپ اول، تهران: انتشارات صفحه نگار.

- قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۶۶). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کلینی، محمد بن یعقوب ابن اسحاق (۱۳۸۸). *الکافی*. جلد اول، تهران: المکتب الاسلامیه.

- گودرزی بروجردی، محمدرضا و الوندی، مظفر (۱۳۸۲). *حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها*. چاپ اول، تهران: نشر نی.

- ماسوری، حامد (۱۳۹۲). «حقوق زندانیان در قوانین ایران و بین الملل». *مجله اصلاح و تربیت*، ۳(۱۳۷): ۲۸-۳۰.

- محمدنژاد، پرویز (۱۳۸۳). «حقوق زندانیان (محکومان) در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور». *مجله اصلاح و تربیت*، ۳(۳۵): ۳۸-۴۰.

سهم نویسندگان: سهم تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ابراهیمی، مجید؛ جهان‌آبادیان، معصومه و اعتباریان، پرویز (۱۴۰۲). «الزامات نظارتی و بایسته‌های الزام‌آور حقوق زندانیان در مقررات داخلی و بین‌المللی». *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*. ۶(۶۰): ۱۳۵-۱۴۳.

- ارسطو، محمدجواد؛ مستقیمی، مهدیه سادات و دشتی، تقی (۱۳۹۸). *حکمرانی شایسته از منظر قرآن کریم*. چاپ اول، قم: انتشارات مکتب اندیشه.

- آشوری، محمد و همکاران (۱۳۸۳). *حقوق بشر و مفاهیم مساوات - انصاف و عدالت*. چاپ اول، تهران: نشر گرایش.

- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱). *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- باقری، سیدکاظم (۱۳۹۵). «کارکردهای عدالت در حکمرانی اخلاقی از منظر اندیشه سیاسی اسلام». *فصلنامه علوم سیاسی باقرالعلوم*، ۱۹(۷۶): ۱۵۰-۱۷۱.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- خویشوند، علی (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی معیارهای حقوق بشر در خصوص زندانیان در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌المللی». *ماهنامه بین‌المللی پژوهش ملل*، ۱۵(۵۹): ۹۵-۱۱۸.

- میدری، احمد (۱۳۸۴). «تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی شایسته». *مجله نامه مفید*، ۵(۴۲): ۹۳-۱۱۸.

- نادری قمی، محمدمهدی (۱۳۹۰). «حکمرانی شایسته معرفی و نقد اجمالی». *نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۱(۱): ۶۹-۹۳.

- هداوند، مهدی (۱۳۸۴). «حکمرانی شایسته - توسعه و حقوق بشر». *نشریه حقوق اساسی*، ۲(۴): ۵۱-۸۶.

- یآوری سرتختی، محمدجواد و لیالی، محمدعلی (۱۳۹۴). «تئوری حکومتی عصر غیبت براساس دیدگاه شیخ مفید». *فصلنامه حکومت اسلامی*، ۲۰(۴): ۵۱-۶۸.

ب. منابع انگلیسی

- Annan, K (2000). *We the people The Role of the United Nations in the 21st Century*. New York: United Nations Publication.

- Cherif, B (1993-1994). *The Protection of human Rights in the administration of Justice*. 2nd ed., Mishigan: Publication of University of Mishigan

- World Bank (1991). *Managing Development the Governance Dimension*. Washington: Publication of Washington DC.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی